

### دارایی‌های درخشان دروازه غار

شکوه و جلوه دروازه غار در میان همه‌مه و شلوغی زندگی، نشان از تاریخ و هویتی دارد که رهگذران را همچون تونل زمان به گذشته می‌برد. ایستادن در آستانه دروازه‌های قدیمی تهران در حقیقت پنجره‌ای برای تماشای هویت تاریخی شهر امروز ماست. در این شماره از همشهری محله، سراغ محله هرندی، معروف به دروازه غار رفتیم تا از ویژگی‌های مثبت، امتیازها و هویت تاریخی آن بنویسیم، نه آن تصاویر تاریکی که تا به حال در رسانه‌ها منعکس شده است.

### حق تقدم در حمام لوکس!



این حمام قدیمی در سالیان دور خزینه‌ای هم داشت. حوض کوچکی در وسط گرمخانه دیده می‌شد که بالای آن نورگیر بزرگی بود و روشنایی حمام در روز از آن تأمین می‌شد. گوشه‌ای از این فضای نسبتاً بزرگ به اتاقک‌های دوش اختصاص داشت که جایگزین خزینه قدیمی شده بود.

جالب است بدانید در این محله لوطی‌پرور برای استفاده از حمام، برخلاف حمام‌های دیگر حق تقدم با خانم‌ها بود. به همین خاطر صبح‌ها به خانم‌ها اختصاص داشت و تعیین نوبت صبح برای خانم‌ها نشان دهنده این بود که محله در آن روزها از چنان امنیتی برخوردار بوده که خانم‌ها می‌توانستند صبح زود از خانه بیرون بیایند و از کوچه‌های تاریک بگذرند و بدون نگرانی به حمام بروند.

نشان قدیمی بودن آن است و قدمتش به دوران قاجار برمی‌گردد.

علیرضا زمانی، تهران‌پژوه، درباره این حمام می‌گوید: «سقف حمام یادآور طاقی‌های قدیمی بود. تا چند سال قبل این حمام مشتریان بسیاری داشت. همین حالا هم در این محله خانه‌های زیادی وجود دارد که حمام ندارند؛ خانه‌هایی که در هر اتاق آن یک خانوار زندگی می‌کند و ساکنان اتاق‌های کارگری کوچک و تک نفره، از مشتری‌های همیشگی این حمام هستند. زنگ زورخانه‌ای در کنار در ورودی آویزان بود که در روزگاری نه چندان دور برای حضور لوطی‌ها و پهلوان‌های این محله، زیاد به صدا در می‌آمد. در سربین، حوض کوچک سه‌طبقه‌ای وجود داشت و در گوشه‌اش هم تعدادی لنگ گذاشته شده بود تا مشتری لنگی بردارد و بعد وارد حمام شود.

در این میان یکی از اهالی قدیمی محله می‌گوید: «بچه بودم که شایع شد قرار است در یک روز چهارشنبه اتفاق مهمی در این حمام بیفتد. از اینکه بگذریم، باید گفت راهروی ورودی حمام، پله‌های زیادی داشت که کوچه را به سربین حمام وصل می‌کرد؛ همین که این حمام تا این حد پایین‌تر از سطح زمین قرار دارد،

بین اهالی قدیمی محله دروازه غار گرمابه لوکس طلاسی حافظ به «حمام چهارشنبه» معروف بود. این حمام هرروز از ۴ صبح تا ۸ شب باز بود. وقتی از اهالی دلیل این نام را می‌پرسیم، هیچ‌کس علت دقیقش را نمی‌داند. برخی می‌گویند چون روز افتتاح آن چهارشنبه بوده، عده‌ای آن را با چهارشنبه‌سوری مرتبط می‌دانند، اما



### ورودی شهر بانقش رستم و دیو



دروازه غار نتیجه مهندسی جدیدی بود که شکل محیطی شهر را از حالت دوزنقه، با ۵ دروازه در دوره حصار صفوی، به شکل هشت ضلعی، با ۲ دروازه در دوره قاجار، تغییر داد. دروازه غار، به عنوان دروازه ورودی بازار و اترکگاه مسافران، بر اساس همان مهندسی جدید تهران ساخته شد. در این دوره، خندق‌ها و حصارهای دور شهر برگرفته از سبک معماری فرانسوی بود. کیانوش معتقدی، پژوهشگر تهران، در این باره می‌نویسد: «خندق و حصار تهران را با الهام از سبک معمار برجسته فرانسوی، سیاستین ووبن و شبیه به نقشه خندق پاریس، به صورت هندسی، ساختند. محیط شهر جدید بالغ بر ۲۲ کیلومتر شد و دوازده دروازه، شاید برای تبرک‌جستن به نام دوازده امام، انتخاب شد. این دروازه‌ها با سبک معماری نو و تزیینات کاشی کاری زینت یافت و در نوع خود حتی برخی از جهانگردان یا سیاسیون خارجی را تحت تأثیر قرار داد.»

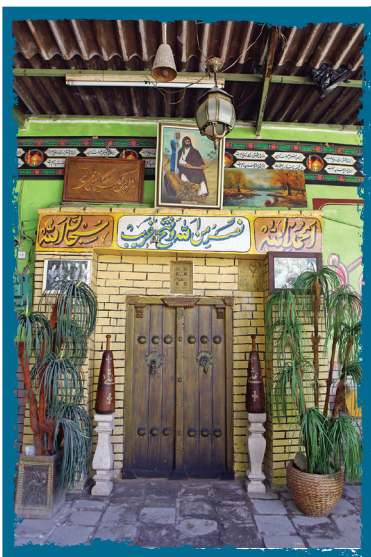
ناصرالدین شاه از توسعه تهران و افزایش دروازه‌هایش بسیار خرسند بود، آنگونه که در روزنامه خاطرات دوشنبه ۱۵ جمادی الثانی ۱۲۸۴ قمری می‌نویسد: «از دروازه ناصری داخل شهر شده، دروازه و خیابان بسیار خوب شده، هیچ شبیه به طهران نیست؛ شهر دیگری است، بسیار قشنگ.»

دروازه غار یکی از این دوازده دروازه بود که به دروازه غربی شهر معروف بود و برای ورود به بازار و کاروانسراها از آن استفاده می‌شد و حوالی مکانی که امروزه در آن میدان غار (شهید هرندی) بنا شده، واقع بود.

دهانه ورودی قوسی شکل دروازه در وسط قرار داشت و دو برج در کنارهای آن قد برافراشته بود و مناره‌هایی نیز آن را مزین می‌کرد. کاشی کاری زیبایی دروازه به شکوه آن افزوده بود. از آنجا که محل ورود و خروج کالاها و تجار بود و روزانه کاروان‌های زیادی از آن عبور می‌کردند، در معماری آن سلیقه جذابی به کار رفته بود. استفاده از نمای کاشی با نقوش متنوع از مهم‌ترین خصوصیات معماری دروازه‌های حصار ناصری بود و در این میان، تصویر نبرد رستم و دیو سفید که بر کاشی کاری دروازه غار نقش بسته بود از جلوه و شکوهی خاص برخوردار بود.

این کاشی‌های نقاشی شده غار، به موزه ایران باستان انتقال یافتند تا برای آیندگان محفوظ بماند.

### پاتوق لوطی‌ها و پهلوانان



«پنجاه نفر به نام‌های استاد غلامعلی و استاد نادری نقلی می‌کردند که دومی مخاطبان بیشتری داشت و بازارش گرم‌تر بود. وقتی نادری نقلی می‌گفت، همه سر تا پا گوش بودند. نقل سهراب کاشی نادری واقعاً دیدن و شنیدن داشت. وقتی این نقل را می‌گفت، قهوه‌خانه غلغله می‌شد. در ایام محرم، بچه‌های هیئت میدان غار جلوی در همین قهوه‌خانه دور هم جمع می‌شدند و از اینجا به سمت میدان مولوی حرکت می‌کردند. عزاداران کم کم پای علامت دسته که یک طوق و یک پرچم بود گرد می‌آمدند و به اصطلاح این قهوه‌خانه پاتوق آنها بود. یکی دیگر از کارکردهای قهوه‌خانه‌ها انجام معاملات و خرید و فروش بود به طوری که در آنها از زمین، مغازه، اسب گاری و ماشین گرفته تا انگشتری، تسبیح، ساعت، ظروف

در ضلع جنوبی میدان شهید هرندی، قهوه‌خانه‌ای با در و پنجره چوبی قرار دارد که روی تابلوی لاجوردی سردر آن نام حاج تقی اسماعیل پور، لوطی نام آشنا نقش بسته است؛ قهوه‌خانه‌ای که محل حضور شخصیت‌هایی معروف و وقوع اتفاقاتی بوده؛ از رفت و آمد لوطی‌ها و قهرمان‌های بنامی همچون طیب و غلامرضا تختی تا لوکیشن شدن برای فیلم و سریال‌هایی مانند یاغی و... فضای نیمه‌تاریک و بزرگ قهوه‌خانه و همه چیز آن رنگ و بویی از سال‌های دور دارد و هر بیننده‌ای را به تهران قدیم و قهوه‌خانه‌های پررونق آن می‌برد. در گوشه‌ای دور از دید، چهار پایه‌ای فلزی است که روزگاری نقالان این قهوه‌خانه روی آن نشسته و روایت‌ها را نقل می‌کردند. علیرضا زمانی، تهران‌پژوه، درباره این قهوه‌خانه قدیمی می‌گوید:

قدیمی و عتیقه، فناری و سپهره و... معامله می‌شد دستفروش‌ها هم در گوشه و کنار قهوه‌خانه بساط و جنس‌هایشان را به مشتری‌ها عرضه می‌کردند. صاحبان قهوه‌خانه‌ها هم از حضور آنها استقبال می‌کردند چون مردمی که برای خرید از آنها به قهوه‌خانه می‌آمدند و دور بساط آنها جمع می‌شدند به کسب و کار آنها هم رونق می‌بخشیدند. «قیمت هر استکان چای در گذشته ۳۰ شاهی بود و قیمت هر دیزی هم با چای ۶ یا ۷ ریال. در این قهوه‌خانه هنوز مشتریان ژتون تحویل می‌دهند. روی ژتون‌ها که بیشتر از جنس چوب است و به آن «مهر نهار» و «مهر چای» هم می‌گویند، نام «قهوه‌خانه حاج تقی» حک شده و این قهوه‌خانه بعد از چندین دهه، سبک و سیاق معمول خود را حفظ کرده است.